

طوطی نامه منسوب به شیخ بهایی تصحیح یک اشتباه

نوشته سیدعلی آل داود

شادروان سعید نفیسی در کتابی به نام «احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی» که آن را در سال ۱۳۱۶ ش در تهران به چاپ رسانده، از منظومه‌ای به نام طوطی نامه یاد کرده و آن را جزو مثنویات شیخ بهایی به شمار آورده است.^۱ پس از او، این اطلاع در تألیفات دیگر چون الذریعه الی تصانیف الشیعه و فهرست نسخه‌های خطی فارسی^۲ عیناً مندرج و مؤلفان کتب یادشده منظومه فوق را که به وزن و سیاق مثنوی مولانا جلال الدین بلخی است، بدون کمترین تردید، جزو آثار شیخ بهایی محسوب داشته‌اند. اثر مذکور هیچ‌گاه چاپ نشد و نفیسی نسخه خطی منحصر به فرد آن را، که در ملکیت شادروان یحیی ریحان (متوفی در ۱۳۶۲ ش در تهران) شاعر و صاحب امتیاز روزنامه گل زرد بود، به امانت گرفت و برای خود نسخه‌ای رونویس برداشت و از آن پس به بررسی آن پرداخت. نگارنده، چندی پیش،

۱. احوال و اشعار فارسی شیخ بهایی، نوشته سعید نفیسی، تهران، کتابفروشی اقبال، ۱۳۱۶ ش، ص ۱۰۵ و ۱۲۰ به بعد.
۲. الذریعه، ج ۱۸۱/۱۵ و فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تألیف احمد منزوی، ج ۲۹۹۶/۴.

منظومه مذکور را، که اکنون در کتابخانه مجلس است، به مناسبتی در دست مطالعه داشت و نیت کرده بود که آن را به عنوان یکی از آثار ناشناخته شیخ بهایی منتشر کند. نسخه خطی طوطی نامه ۱۴۳۴ بیت دارد و منظومه‌ای دلپذیر و خواندنی است، و در میان آثار و مثنویهایی که از مولانا اقتباس شده کم نظیر است.

ظاهراً بعدها، نسخه خطی مذکور را مرحوم ریحان به ملک الشعراء بهار بخشیده است، و این نسخه اکنون جزو مجموعه بهار در کتابخانه مجلس [بهارستان] نگهداری می‌شود. مشخصات دست‌نویس مذکور که در فهرست کتابخانه مجلس^۳ معرفی شده بدین شرح است: نسخه‌ای به قطع رقعی و به خط نستعلیق متوسط؛ نام کاتب آن معلوم نیست، ولی وی آن را در سال ۱۲۴۴ ق/ ۱۸۲۸ م برای شخصی به نام میرزا اسدالله کتابت کرده و متضمن دو منظومه است و طوطی نامه ۹۸ صفحه کتاب فوق را در بر گرفته است و با این بیت آغاز می‌شود:

گر شما را غفلت و آلاش است پیش ما هم رحمت و بخشایش است

به دنبال آن، مثنوی نان و حلوا اثر شیخ بهایی درج شده که از صفحه ۹۸ تا ۱۱۶ کتاب را در بر گرفته است. این نسخه هم اکنون ذیل شماره ۲۵۳۴ در کتابخانه مجلس محفوظ است.

خلاصه داستان در طوطی نامه چنین است: پادشاهی طوطی داشت و او را سخت عزیز می‌داشت. پس او را برای کسب دانش به جزیره‌ای دور دست فرستاد تا از دانشمندی بسیار دان که در آنجا به سر می‌برد علم آموزد و با آگاهی‌های بیشتر از اوضاع عالم نزد او باز گردد. منظومه البته ناتمام مانده و داستان باز آمدن طوطی در آن ذکر نشده است. سراینده در این منظومه داستان ورود انسان به عرصه این جهان را با داستان طوطی مقایسه می‌کند. انسان نیز به فرمان حق تعالی برای جذب و جلب کمال رهسپار این جهان می‌شود و هر کس به اندازه معرفتش از درخت کمال خوشه‌ای می‌رباید. البته سراینده در لابه‌لای موضوع اصلی، حکایات و داستانهای متنوعی بیان کرده است. در پایان نسخه فوق اشتیاق خود را به زیارت مرقد ائمه اطهار بیان می‌کند.

با بررسی و تفحص سراسر این منظومه و تتبع در آثار فارسی موجود شیخ بهایی^۴، تردیدی در

۳. فهرست کتابخانه مجلس، مجلد هشتم، تألیف فخری راستکار، ص ۲۲۸-۲۲۹.

۴. کلیات اشعار فارسی شیخ بهایی، به اهتمام علی کاتبی، تهران، نشر چکامه، ۱۳۷۲ ش. در این چاپ عیناً تمام اثر سعید

انتساب آن به وی ایجاد شد. به‌ویژه آنکه در هیچ یک از منابع احوال و آثار بهایی، از میانه عصر صفوی تا تاریخ کتابت این منظومه، نامی از طوطی‌نامه^۴ او در میان نیست. با جستجوی بیشتر معلوم شد که نسخه مذکور که به نام طوطی‌نامه و یکی از آثار شیخ بهایی شهرت یافته اثر او نیست، بلکه بخش کوتاهی از مثنوی بلند طافدیس، سروده مجتهد نامی اوائل عهد قاجار، حاج ملااحمد نراقی، است که بارها به چاپ رسیده، لیکن از نظر هنر شاعری - و همچنین مضامین عالی مندرج در آن - اثری گران سنگ شمرده نمی‌شود. در اینجا درباره شاعر اصلی و منظومه او توضیحی داده می‌شود و سپس ابیات شروع هر قسمت برای آشنایی بیشتر خوانندگان عیناً نقل می‌گردد.

ملااحمد نراقی فرزند ملامهدی نراقی است که هر دو از مجتهدان نام‌آور اوائل عهد قاجار بودند. ملااحمد در سال ۱۱۸۵ یا ۱۱۸۶ ق / ۱۱۷۲ م در نراق کاشان زاده شد و در ربیع‌الثانی ۱۲۴۵ ق / اکتبر ۱۸۲۹ م درگذشت. او گذشته از تبحر در دانشهای دینی در شعر دستی داشت و «صفایی» تخلص می‌کرد، و با برخی شاعران نامی آن عصر چون یغمای جندقی [۱۱۹۶-۱۲۷۶ ق / ۱۷۸۲-۱۸۵۹ م] روابطی حسنه داشت و با او جلیس و مأنوس بود. مهمترین اثر منظوم نراقی همین منظومه طافدیس اوست که بارها به چاپ سنگی و حروفی رسیده، لیکن بهترین چاپ آن همان است که چند سال پیش به اهتمام حسن نراقی، یکی از نبیرگانش، صورت گرفت.^۵

این منظومه بیش از ده‌هزار بیت دارد و مشتمل بر مواظظ عارفانه و حکیمانه و حاوی پند و اندرزهاست و در آن حکایات دلپذیر و داستانهای متوالی دیده می‌شود که به بیانی ساده و شیرین ادا شده است. لیکن چنانکه اشاره شد، مثنوی طافدیس از نظر ادبی دارای شأن بلندی نیست. مشهور است که نراقی پس از فراغت از سرودن منظومه، آن را برای تنقیح و ویرایش به یغمای جندقی سپرد. یغما که با نراقی مأنوس بود و بارها نراقی به حمایت از وی برخاسته و یک‌بار او را از دست متشرعان کاشان، که او را متهم به میخوارگی کرده بودند، نجات داده بود، پس از چندی کتاب را بازگرداند، در حالی که خطی در صفحه اول آن و خطی در صفحه آخر کشیده بود. نراقی سبب را پرسید و او در پاسخ گفت: خط باطله در صفحه اول و آخر کشیده‌ام، یعنی سراسر آن غیر مقبول است. این نظر یغما را منتقدان

→

نقیسی به عنوان مقدمه نقل شده است، بی آنکه یادآور شوند که اصل آن چند دهه پیش به صورت مستقل منتشر شده است.

۵. مثنوی طافدیس، سروده ملااحمد نراقی، به اهتمام حسن نراقی، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۲ ش.

دیگر نیز ابراز کرده‌اند و نراقی در جوابشان چنین گفت:

هر چه خواهی گو، چه کج باشد چه راست	آنچه می‌گویی گر از بهر خداست
گو به هر لفظی که خواهی آن خوش است	گر سخن با یاد یار دلکش است
قافیه‌مندیش فرصت شد ز دست	او همی گوید که این شب کوتاه است
سر زند صبح و شود خاموش شمع	تا تو در اندیشه وزنی و سجع
قافیه بگذار و بگذر از ردیف	از برای خاطر من ای حریف
وضع الفاظ از پی افسانه است	اندرین خلوت سخن بی‌گانه است
یار ما در بند سجع و لفظ نیست	چون تو افسانه نخوانی لفظ نیست

گذشته از انتقاد طنزگونه یغما و پاسخ نراقی به مدعیان، طاقدیس مثنوی عرفانی پر مطلبی است و کثرت چابهای آن در ادوار مختلف نشانه استقبال بسیار عموم از آن است.

برای اینکه مقایسه‌ای میان نسخه خطی طوطی‌نامه محفوظ در مجلس و مثنوی طاقدیس (چاپ حسن نراقی) صورت گرفته باشد، ابیات نخستین بخش‌های طوطی‌نامه از نسخه خطی نقل و جای آن در مثنوی طاقدیس با ذکر صفحه مربوط آورده می‌شود:

آغاز طوطی‌نامه

پیش ما هم رحمت و بخشایش است	گر شما را غفلت و آرایش است
خانه‌ام را حلقه بر در زنید	ای گنه‌کاران سوی من بر زنید
[ص ۲۸ طاقدیس]	
وان دگر را نان تنها در بغل	کودکی را بود نانی با عسل
[ص ۴۲]	
ای ز تو فرخنده ماه و سال من	گفت کی مرغ میارک فال من
[ص ۳۴]	
زینهار آن را میفکن از نظر	گفت شه باشد مرا عهد دگر
[ص ۲۵]	
جان قدسی آدم است و بوالبشر	جسم خاکی نیست آدم ای پسر
[ص ۲۸]	

- ای برادر این ره بازار نیست
زاد این ره درهم و دینار نیست
[ص ۵۲]
- آن یکی در کار کشور داشتن
مملکت بگرفتن و بگذاشتن
[ص ۵۶]
- دیگری در کار زرع است و شیار
نی شبش آرام و نه روزش قرار
[ص ۵۷]
- منتظر ایستاده آن طوطی به راه
تا چه فرماید دگر آن پادشاه
[ص ۵۹]
- پادشاهی بود در مغرب زمین
جملگی مغرب زمینش در نگیں
[ص ۶۰]
- آن یکی در ساحلی دامی نهاد
آدم آبی به دامش اوفتاد
[ص ۶۵]
- دوستی با این گروه است ای فلان
دوستی پادشه بازی کنان
[ص ۷۰]
- دوزخی بر کژدم و بر اژدها
دوزخی کان را نباشد انتها
[ص ۷۴]

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی